

آینه‌های روبه‌رو

گفت‌وگو با داریوش مهرجویی در حاشیه جشنواره داکا

هنر فراتر از سیاست است

■ **دیلی استار:** جشنواره داکا امسال هم میزبان داریوش مهرجویی بود تا دومین فیلم او «گاو» را نشان دهد و هم «تهمینه میلانی» داوور این جشنواره بود.فیلمساز ۷۰ساله ایرانی‌ای که با دومین فیلمش، گاو (۱۹۶۸)، یکی از بانیان به وجود آمدن موج نو سینمایی ایران شد، در دوازدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم داکا حضور یافته است. داریوش مهرجویی در گفت‌وگویی خیلی کوتاه درباره چهار دهه حضورش در سینما سخن گفت.

■ ■ ■

■ **فیلم «گاو» ساخته شما، از فیلم‌های پیشرو در موج نو سینمای ایران است.**
«گاو» فیلمی مهم در تاریخ سینمای ایران است. قبل از انقلاب (۱۹۷۹) ما موج نو را آغاز کردیم و «گاو» اولین فیلمی بود که هم از نظر تجاری موفق شد و هم نظر منتقدان را جلب کرد. گرچه فیلم‌های گلستان (ابراهیم گلستان، فیلمساز ایران قبل از انقلاب) در جشنواره‌های بین‌المللی روی پرده رفته بود، ولی در مورد «گاو» بحث‌های زیادی در ویرجینیا کن و برلین ایجاد شد و جوایز مهمی گرفت. هرچند فیلم گاو به مدت دوسال توقیف بود و من کمی از آن را فرستادم ناگهان سینمای ایران در جهان مشهور شد و در جشنواره شیراز در سال ۱۹۷۰ به نمایش در آمد و استقبال از آن بی‌نظیر بود.

■ **ارتباط شما با هم دوره‌های خودتان مثل ناصر تقوایی و مسعود کیمیایی چطور بود.** آیا با هم مشورت می‌کردید؟
ما دوستان خوبی و همواره با هم بودیم، من و کیمیایی تقریباً در یک زمان کارمان را شروع کردیم. فیلم دوم کیمیایی، «قصر» نیز مانند «گاو» موفق بود ولی بیشتر از جنبه تجاری، هر دو فیلم در جشنواره‌های ایرانی شرکت کردند و منتقدان را به دو بحث تقسیم کردند. برخی فیلم من را دوست داشتند و برخی «قصر» را می‌ستودند. این دو فیلم بحث‌ها و مناظرات زیادی را ایجاد کردند. قبل از این دو فیلم سینمای ایران فقط تجاری بود، با صحنه‌های فراوان رقص و آواز، شیر سینمای هند.

■ **در «گاو» استفاده زیادی از استعاره می‌شود و همین‌طور مباحث فلسفی، چه چیزی شما را به جست‌وجو در فلسفه کشاند؟**

خب، من همیشه به فیلم‌هایی که عمق فلسفی داشتند، علاقه داشتم. من تاثیر زیادی از اینگمبار برگمان و میکال آنجلو آنتونیونی گرفتم که فیلم‌هایشان لایه‌های مختلف معنایی داشت، اینها فیلم‌هایی بودند که همواره به ساختن نشان علاقه داشتم. داستان «گاو» آنابعاد فلسفی را داشت. «گاو» داستان مردی است که گلوش، برایش خیلی عزیز است، وقتی گاو ناگهان می‌میرد او از نظر روانی



تغییر می‌کند تا جایی که خودش تبدیل به گاو می‌شود. ایده فاشدن در شش، چیزی است که بارها از سوی شاعرانی مانند خیام، حافظ و مولوی بیان شده است. ■ **شما از دانشگاه UCLA فارغ‌التحصیل شده‌اید. می‌خواستید سینما بخوانید اما در فلسفه مدرک گرفتید، چرا؟**

در UCLA تاکید بیشتر روی جنبه‌های فنی سینما بود. آنها می‌خواستند افرادی شبیه کارگردان هالیوود بسازند. این طرز فکر برای من جذاب نبود. برای من تمرکز صرف روی سینما کافی نبود. درسی با «ژان رولار» داشتم که خیلی کمک کرد. من بیشتر به ابعاد تئوری علاقه داشتم تا موضوع‌های فنی.

■ **برخی از قهرمانان شما مانند حسن (در فیلم گاو)، پری، هومن و بانو دچار بحران‌های دیالکتیکی می‌بودند که ریشه در هستی‌مخصوص به خودشان داشت؛ اینها بازتابی شخصیت مهرجویی بودند؟**

الزمانه ولی آنها واجد برخی از ابعاد زندگی من بودند، دید و اندیشه من در مورد زندگی در فیلم‌هایم بازتاب پیدا می‌کند. البته به طور ناخودآگاه تمام فیلم‌های من متأثر از دغدغه‌های وجودی‌ام هستند. آنها متأثر از وجود فردی و بحران‌هایی هستند که بیش روی قهرمان‌ها قرار می‌گیرند. شرایط، آنان را مجبور به تغییر شیوه زندگی می‌کند تا به مراحل جدید شناخت برسند. این بیشتر شبیه «فرآیند فردسازی» کارل گوستاو یونگ است. فردی در موقعیتی قرار می‌گیرد و لطامت جدی می‌بیند و سپس در نتیجه آن به شخص جدیدی با آگاهی بیشتر تبدیل می‌شود. فیلم‌های من چنین موقعیت‌هایی را تصویر می‌کنند.

■ **دلیل اصلی موفقیت‌های جهانی فیلمسازان ایرانی چیست؟**

سینمای هنری اروپا و سینمای آمریکا کم و بیش در کشور ما ممنوع است. به دلیل این ممنوعیت، تمامی سینماهایباید فیلم‌های داخلی نشان بدهند. سینمای ایران به دلیل کنترل شدید حکومت به روابط انسانی می‌پردازد. سینمای ایران به این دلیل در جهان موفق شده است که هنوز سنت فیلم‌های هنری را دنبال می‌کند و ما بحث و ابزار ضروری تولید چنین فیلم‌هایی را داریم.

■ **چرا اینقدر از مینی‌مالیسم در سینمای ایران استفاده می‌شود؟**

مینی‌مالیسم در فرم است نه در محتوا. سینمای ما با بودجه‌ای محدود شروع کرد و بنابراین ما یاد گرفتیم که سراغ داستان‌های ساده و شخصیت‌های معمولی برویم به همین دلیل است که مینی‌مال به نظر می‌رسد.

ادامه در صفحه ۱۰

■ **با این که قصد داریم از شیدایی بگوییم اما از خانه سینما بیرون نرویم؟ موضوع شکایت شما از خانه سینما به چجاهای ختم شده است؟**

وزارت ارشاد در شکایتی اولیه که از ما داشت خواستار توقف تمامی فعالیت‌ها بر اساس اساسنامه فعلی و ادامه فعالیت‌ها بر اساس یکی از اساسنامه‌ها بوده است. این جوری هم نبوده که بتوانند، بگویند بر اساس هر اساسنامه‌ای. خودشان در سوابق دیده‌اند یک اساسنامه‌ای وجود دارد که در جایی مهر ارشاد رویش خورده است. در صورتی که آن اساسنامه و بعد از آن دو اساسنامه بعدی و دو اساسنامه قبلی‌اش هیچ کدام به شورای فرهنگ عمومی نرفته بودند. بنابراین ادامه فعالیت‌های خانه سینما بر اساس آن اساسنامه است. منتها بعد متوجه شدند که این روش یک مسیر طولانی و همراه داشته که ممکن است سریع به نتیجه نرسند و ما الدلای داشته باشیم که اساسا بر اساس همین اساسنامه فعالیت کنیم. حتی اگر موفق می‌شدند در آن دعوا ما یک اساسنامه به عقب بازمی‌گشتیم خیلی تفاوتی نداشت. چون هیات مدیره‌ای بر سر کار می‌آمد که باز هم من رییس هیات مدیره بودم، به همین دلیل مسیر دیگری را آغاز کردند که در نهایت آن چیزی شد که الان با آن روبه‌رو هستیم. اما شکایت خانه سینما از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ما از دیوان عدالت اداری از کل این نامه شکایت کردیم. اما یک درخواست دستور فوری داشتیم. کما اینکه شکایتی که وزارت ارشاد از ما داشت درخواست دستور فوری کرده بود؛ دستور فوری یک قاعده خاص خودش را دارد. باید قاضی تشخیص دهد که می‌تواند خارج از نوبت روی آن بابت توقف یا عدم توقفش حکم صادر بکند یا خیر؟ بعد درباره ماهیتش در نوبت برویم. مانند همه پرونده‌هایی که در دادگاه می‌رود. درخواست اولیه خانه سینما این بود که به جواب مثبت نرسیدیم. یعنی ادله خودمان را نگفتیم. قاضی پرونده سواالش این بود که برای اجرای این نامه باید به دادگاه بگویید که چه ضررهایی دارد که باید به خاطرش دستور صدور مجوز فوری را بدهیم. ما توضیحات را دادیم و انگار توضیحات ما کافی نبود.

■ **احساس خودتان چیست، نمی‌توانید هیچ حکمی را بپذیرید؟**

واقعیت این است که ما به همه احتمالات فکر کردیم. می‌توانیم نگاه خوش‌بینانه یا نگاه بدبینانه داشته باشیم. اینکه ما در آدم‌مان برای دستور فوری این را عنوان کردیم وظایفی که در مقابل هنرمندان اعضا داشتیم بلا تکلیف است. نماینده وزارت ارشاد می‌گوید همه کارهایی که خانه سینما انجام می‌داده را ما داریم انجام می‌دهیم. کما اینکه ما داریم هنرمندان را بیمه می‌کنیم، جشنواره برگزار می‌کنیم و اشکالی ندارد که تعطیلی خانه سینما طولانی شود. قاضی پرونده از ما توضیح خواست. من گفتم که در مورد جشنواره فجر راست می‌گویند دفتر و تلفن و امکانات دارند. اما جشنواره فجر که تنها این امکانات نیست. سینماگران باید ببایند و شرکت کنند که جشنواره برگزار شود. در مورد بیمه هم بیمه‌های هنرمندان هم‌هاش به ارشاد مربوط نمی‌شود. چگونه شرایط

احراز هنرمندی را می‌خواهند تشخیص دهند. این آقایانی که الان مسئول این کارها هستند تنها برخی از بازیگران را می‌شناسند. بقیه عوامل سینما را اصلا نمی‌شناسند. مثلا اگر من به عنوان دستیار فیلمبردار می‌خواهم، بیمه شوم به وزارت ارشاد مراجعه می‌کنم و در خواستم را مطرح می‌کنم، شما چطور برای‌تان محرز می‌شود که درست می‌گویم یا خیر؟ گفتم به همین سادگی است که شما تشخیص بدهید این آقا چه کاره است؟ این را آقای دولت تشخیص می‌دهد که چه کاره است؟ نماینده دولت گفت که بله ما تشخیص می‌دهیم. گفتم می‌توانم ببرسم چطور و با چه مکانیسمی تشخیص می‌دهید؟ گفت یک خاتم ایکس در وزارت ارشاد هست که همه اهالی سینما را می‌شناسد. گفتم به نظرم بیست سال اشتباه کردیم که یک خانه سینمایی با این عرض و طول فعالیت می‌کرده در حالی که یک خانم همان کار را دارد، انجام می‌دهد. من خیلی خوشحالم که ارتباطات شما با همه صنوف اینقدر خوب است. اما سوال من این است که اگر این ارتباط اینقدر نزدیک است چرا هفته پیش از دفتر معاونت سینمایی زنگ زدن و شماره فکس روسای صنوف را می‌خواندیم. بقیه اعضا را هم نداریم حتی روسای صنوف را هم نمی‌شناسند. در هر حال ما توضیحات را دادیم و منتظریم. پرونده ما اتفاقا در شعبه یک دیوان عدالت مطرح است که به طور مستقیم زیر نظر رییس دیوان عدالت با حفظ سمت رییس این شعبه است. ما در این ماجراها متوجه شدیم که با توجه به قوانین و تبصره‌ها موجود امکان تعطیلی همه مراکز فرهنگی وجود دارد. شما هر مرکز فرهنگی‌ای را که بخواهید از رسمی‌ترین مرکز به استناد بندهای مختلف می‌توانید تعطیل کنید. وقتی اطلاعات‌تان را روی میز می‌گذارید متوجه برخی از موضوعات می‌شوید. شورای فرهنگ عمومی وضعیتش در طول تاریخ عوض شده است.

در فلان سال این بخشنامه را داشته و در سال دیگر این اختیارات را. الان شما می‌توانید به هر کدام از اختیارات که به نفع‌تان هست، استناد کنید. به استناد سال ۶۸ جلو بروید یا به استناد بخشنامه‌های سال ۷۲. در رای ۵۵۶ دیوان عدالت آمده است صدور مجوز با قوه مجریه است و ابطال یا قوه قضاییه. این یک اصل است. شما می‌توانید یکسری زیرمجموعه و تبصره هم داشته باشید. بر اساس این اصل ارشاد نمی‌توانسته خانه سینما را منحل کند. کما اینکه مرکز پژوهش‌های مرکز هم این رای را داد. اما وقتی وارد این‌نامه‌ها بشوید، می‌بینید خیلی عجیب و غریب است. مثلا من نمی‌فهمم چرا باید اینقدر

سینما تلویزیون



عکس: امیرحسین جعفری/شرق

در مورد هر موضوعی با محمد مهدی عسگرپور صحبت کنید، نمی‌توانید بحث را به خانه سینما و اتفاقاتی که این روزها با آن روبه‌رو شدند، نکشائید. حتی زمانی که دارید با او درباره مجموعه تلویزیونی شیدایی صحبت می‌کنید که به نسبت خیلی از مجموعه‌هایی که در سال‌های اخیر روی آنتن شبکه‌های تلویزیونی رفته است از مضمون و داستان متفاوتی برخوردار بود. طاهاتنها پسر بیمار یک خانواده مذهبی بازاری در آستانه ازدواج با پزشک جوانی متوجه می‌شود که از ازدواج مخفیانه‌ای که سال‌ها پیش با زنی به نام افسانه داشته دختری است به نام شیدا؛ واقعیتی که باعث می‌شود زندگی او و اطرافیانش با تغییراتی مواجه شود... این خلاصه‌ای از داستان این مجموعه تلویزیونی است که از آذر ماه سال جاری از شبکه سوم سیما با بازی امیر جعفری، اندیشه فولادوند، پرویز پور حسینی، آتیه فقیهنصیری، گلاره عباسی و عطا عمرانی پخش شد؛ داستانی که بسیاری از خطوط ناوشته‌ای را که این سال‌ها در رسانه ملی ترسیم شده است، رد کرد. هر چند عسگرپور معتقد است فیلمی که او براساس فیلمنامه‌ای از سعید نعمت‌الله ساخته داستان خیلی عجیب و غریبی ندارد، برشی از زندگی آدم‌های جامعه است؛ آدم‌هایی خاکستری که مثل خود ماها در اتفاقات واکنش‌های منطقی دارند. هر چند به نظر می‌رسد همین نگاه صریح باعث برخی واکنش‌ها را سوی داخل صدا و سیما شد؛ واکنش‌هایی که به شایعه پایان گرفتن سریع مجموعه دامن زد. هر چند عسگرپور با رد این جریان گفت که براساس زمان‌بندی مجموعه را در زمان مقرر به پایان رسانده است.

قرارمان بود زمانی که مجموعه در حال پخش شدن است با عسگرپور صحبت کنیم. اما پخش این مجموعه هم‌زمان شد با حکم توقف فعالیت‌های خانه سینما؛ هر جریا ن دادگاه‌هایی که عسگرپور به عنوان مدیرعامل خانه سینما ناگزیر از شرکت در آنها بود. شاید به همین دلیل ساده هم بود که مصاحبه در روزی انجام شد که آخرین قسمت مجموعه شیدایی شب قبلیش پخش شده بود.

توضیح دهیم که در سال ۶۹ و ۷۲ مجوز وزارت ارشاد را گرفتیم. اینکه وزارت ارشاد در آن سال‌ها که یکی از آنها به آقای خاتمی وزیر باز می‌گردد و دیگری آقای لاریجانی وزیر به ما مجوز داده‌اند چرا ما باید توضیح بدهیم که چرا مجموعه مقررات را رعایت نکردند؟ به خانه سینما چه ربطی دارد که وزارت ارشاد تخلف کرده است؟ مثل این می‌ماند که من می‌خواهم برای بچام شناسنامه بگیرم. یک آقای که شناسنامه صادر می‌کند، مجموعه مقررات را رعایت نکند. ما من شناسنامه بچام را در روال قانونی گرفتیم، بچه من الان ۲۰ سالش است حالا می‌گویند آن بچه را باید دفن کنید چون شناسنامه‌اش را آن آقایی که صادر کرده، نرفته امضای رییس طبقه بالایی را در دفتر بگیرد. این به من و بچه من ربطی ندارد. الان اصل دعوی ما سر این جریان است. منتها این دعوا مربوط به زمانی است که منطق وجود داشته باشد. آقای وزیر ارشاد با تمام اطلاعاتی که از سینما دارد، گفت در دو سال جشن گنشدن خانه سینما از کسانی تجلیل کردید که با بیگانگان همکاری می‌کنند. اسامی کسانی که تجلیل شده‌اند، موجود است. اسامی داوران جشنواره فجر را هم ببینید

■ **در دو، سه سال گذشته شما به طور مشخص سه**

مجموعه تلویزیونی را ساخته‌اید که هر کدام از آنها در زمان خودش موافقان و مخالفانی داشت. چه شد که این طرح سعید نعمت‌الله را که خیلی هم چارچوب‌های رسانه ملی را رعایت نمی‌کرد، ساختید و تلویزیون چطور با همه محدودیت‌هایی که در صدور مجوز دارد مجوز این مجموعه را صادر کرد؟

پیش از ساخت این مجموعه قرار ساخت مجموعه دیگری را با آقای شفیعی به عنوان تهیه‌کننده داشتیم؛ فیلمنامه‌ای از خانم بیات به نام «وقت برگشتن است» که داستانش را دوست داشتم. این طرح قبل از جرات مطرح شده بود. چند جلسه‌ای هم با خانم بیات داشتیم و پیشنهاد بازنویسی فیلمنامه هم داده شد. مجموعه در مسیر بازنویسی و آماده‌سازی افتاد. شبکه دوم سیما به عنوان تهیه‌کننده می‌خواست این سریال را برای ماه رمضان سال گذشته آماده کند. منتها اتفاقاتی در فیلمنامه باید می‌افتاد که منجر به یکسری تغییرات اساسی می‌شد و زمان می‌برد و

در مجموعه‌های قبلی شما هم اتفاق نیفتاده بود. مثلا در گل‌های گرمسیری در کنار داستان‌های دیگر داستان اصلی داستان عاشقانه بود. اما در شیدایی ما شخصیتی به نام طاهات داریم که هم به لحاظ شخصیتی و هم به لحاظ ظاهری شبیه شخصیت‌های مثبت و بی‌خطای مجموعه‌های تلویزیونی تصور شده است. اما همین شخصیت اتفاق این شخصیت را منفی می‌کند.

خود من همیشه یک ایراد بزرگ به مجموعه برنامه‌سازی در تلویزیون داشتم و معتقد به نظرم یک بار تلویزیون باید مجموعه‌هایش را آنالیز کند و نارضایتی‌ای که مردم از مجموعه آثار این رسانه دارند، تغییر دهد. این صحبت در مورد مجموعه‌های تلویزیونی است و درباره مجموعه‌های سیاسی، اجتماعی نیست که مقوله مهم‌تر و گسترده‌تری دارد. به نظرم در این سال‌ها یک ساده‌انگاری در مجموعه معادلات تلویزیون با برنامه‌سازان به وجود آمده است. هر دو هم روی هم تاثیر گذاشته‌اند. من به عنوان برنامه‌ساز و مدیر تلویزیون تاثیر گذاشتم تا موضوع را سخت نکنیم. ما قرار است آنتن را پر کنیم تا برنامه‌ساز هم به سود فرهنگی و غیرفرهنگی برسد. کم ندیدیم و نمی‌بینیم در تلویزیون تعداد زیادی سریالی ساخته می‌شود که هیچ خاصیتی ندارد. همه مضمون‌های تکراری پیشنهاد می‌دهند. من در شورای طرح و برنامه شاهد بودم از هر ۱۰ تا طرحی که می‌آید ۹ تایش به این اشاره می‌کند که بچه‌ای وجود دارد که پدر و مادرش واقعی نیستند. بیشتر بچه‌ها در زمان بچگی جا ماندند یا سر راه گذاشته شده‌اند. بیشترشان هم مشکل هویت دارند. برخی از آنها در خانواده‌های مسلمان هستند یا در خانواده ارمنی بزرگ شده‌اند. از آنجایی که سریال‌ها بازتاب شرایط اجتماعی هستند اگر کسی از بیرون به این مجموعه‌ها نگاه کند و بخواهد این مجموعه‌ها را بررسی کند به این نتیجه می‌رسد که ۹۰ درصد ایرانی‌ها با پدر و مادرشان زندگی نمی‌کنند. همه جا ماندند و بچه کسان دیگری هستند. چرا این اتفاق می‌افتد به این دلیل که ما در محدودیت‌هایی که خودمان به وجود می‌آوریم به دنیای تنگ سبزه‌ها می‌رسیم. وقتی ریشه‌های درام را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم ما در یکی دو موردش متوقف شدیم. این ساده‌انگاری و راحت‌طلبی که در مجموعه‌های ما به وجود آمده باعث شده که اگر بخواهی خلافتش رفتار کنی اولا به شدت برای خودت سخت می‌شود که بتوانی از پس ماجرا بریایی. دوم اینکه شما در جریانی قرار می‌گیری که خودت احساس نمی‌کنی کار عجیبی کرده‌ای. اما دیگران این فکر را می‌کنند. در شیدایی هیچ خطوط قرمز عجیب و غریبی را جابه‌جا نکردیم. کار عادی و ساده هم بود. اما می‌فهمم که با توجه به آن‌هایی که وجود دارد ممکن است از این زاویه‌ها هم به آن دیده شود. من در جرات با این موضوع روبه‌رو بودم.

■ **در شیدایی ما با آدم خاکستری روبه‌رو هستیم. حتی در برخی از قسمت‌ها به شخصیت‌های به ظاهر منفی حق می‌دهیم.**
شرایط فیلمسازی در تلویزیون این گونه شده که وقتی شما دارید فیلمی عادی می‌سازید گمان می‌شود که از خطوط قرمز رد شده‌اید. من حتی این جنبه را می‌خواهم به جنبه ملموس‌تری ببرم. ما وقتی می‌خواهیم در خیابان فیلمبرداری کنیم، پنج دقیقه هم نمی‌توانیم به صورت نرمال فیلمبرداری کنیم چون غریبالبر پخش است. باید دو طرف خیابان را ببندیم. معمولا این جوری است که خیابان را می‌بندیم و به همان میزان هنرور می‌آوریم به این دلیل که کنترل کنیم که از نظر پوشش مشکلی نداشته باشد و قابل پخش باشد. به همین سادگی. شما اگر دوربین را روی ماشین ببندید و در خیابان فیلمبرداری کنید که مثلا از خیابان و در حرکت کنید از میدان راه‌آهن به تخریش بروید به نظر من ۲۰ ثانیه‌اش را هم نمی‌توانید پخش کنید. این ظاهر قضیه است. باطنش موضوعات دیگری هم هست. ما با جامعه‌ای روبه‌رو هستیم که ظاهرش یک چیز است و تلویزیون چیز دیگری نشان می‌دهد. اگر شما فیلمی درست کنید که مردم بتوانند خودشان را در آن ببینند مردم حتما می‌نشینند و آن را نگاه می‌کنند. کما اینکه من شنیدم چند روز پیش معاون سیما بابت این سریال‌هایی که پخش می‌شود به سه شبکه تذکر داده است. من از مسئول سیما خواش می‌کنم که آمار مرکز نظرسنجی را درباره سریال ما منتشر کنند. چون خبر دارم که میزان رضایت بیننده‌های این سریال چگونه بوده است. مجموعه‌ای که بیش از ۸۰ درصد بیننده داشته و میزان رضایتش هم بالا بوده است، یعنی مردم آن را پسندیده‌اند. پس نمی‌توان گفت که این مجموعه فقط تلخ و گزنده است.

■ **البته در چند سال اخیر مجموعه‌های تلخ و گزنده کم ساخته نشده است. جرات هم سریال تلخی بود. حتی شیدایی در مقایسه با جرات خیلی هم سریال آرام و شیرینی بود. شما به تذکر معاون سیما اشاره کردید. در چند روز گذشته شاهد بودیم که برخی از مطبوعات تیتز زدند که دو سریال شیدایی اتی با تریا باید هرچه زودتر تمام شوند. بلافاصله بعد از انتشار این موضوع هم شاهد بودیم که دو مجموعه شیدایی و تا تریا به پایان رسید.**

در مورد سریال آقای مقدم خبر ندارم. اما انصافا در مورد شیدایی این طور نبود که دستوری بیاید که مجموعه را تمام کنید و ما هم آن را تمام کنیم. **ادامه در صفحه ۱۰**

نمای نزدیک

همه اخراجی‌های «خانه سینما» در کمیته صنوف

هیات ساماندهی امور صنوف سینمایی

■ **در آستانه جشنواره فیلم فجر، «خانه سینما» منحل شد تا کمیته اصناف از اعضای تشکیل شود که همه به ضدیت علیه هیات‌مدیره خانه سینما مشهور بودند. «سینما» در این چند هفته‌ای که از انحلال خانه سینما می‌گذرد، انجام کارهای صنفی با مشکل روبه‌رو شده است حتی کار ساده‌ای مانند دادن بلیت‌های جشنواره فیلم فجر تبدیل به اولین اولویت هیات ساماندهی شده است. اولویی که با مخالفت اصناف سینمایی از شانه این کمیته برداشته شده چون اصناف سینمایی هیات ساماندهی را قبول ندارند و در نام‌های از خراعی خواستند جشنواره، بلیت را در اختیارشان قرار دهد. یا تشیع پیکر عبدالله بوتیمار که به دلیل نداشتن خانواده‌ای در ایران با تاخیر و به سختی برگزار شد و گفته حمیدفرخ‌نژاد – جزواهایی سینما فعلا نمیرید چون خانه‌ای نداریم – به واقعیت پیوست. اما شاید همان حملات اولیه‌ای که وزیر ارشاد اسلامی در این زمینه بیان کرد نباید فراموش کرد. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در ۱۴ دی در گفت‌وگوی ویژه خبری گفت: «در انحلال خانه سینما، بحث ما صرفا حقوقی نیست بلکه اتفاقاتی هم به ویژه در دو جشن اخیر خانه سینما رخ داده که مورد سوال افراد متعهد و متدین جامعه قرار گرفته که این اتفاقات نشان می‌دهد این جشن‌ها نه یک فعالیت صنفی بلکه سیاسی هستند». وزیر ارشاد درباره مهر‌تیم دلایل انحلال خانه سینما توضیح داد: «پیرامون انحلال، دو مساله وجود داشت، نخست تغییرات ایجادشده در اساسنامه که در مقاطع مختلف مورد اعتراض ما بود و خود سینماگران نیز این موضوع را منعکس کرده بودند».**

هیات ساماندهی صنوف چیست و چگونه تشکیل شد

گروه ساماندهی به صنوف سینمایی به ریاست حسین زندباف و با حضور ابوالقاسم طالبی، سیدضیاء هاشمی، پرویز شیخ‌طای، پوران درخشنده، عباس بابویی، علیرضا ربیسیان، جمال شورشه و جهانگیر الماسی ساماندهی امور صنوف سینمایی را بر عهده دارند. روابط عمومی معاونت امور سینمایی اعلام کرد: «وظایف این گروه طی نامه‌ای از سوی دکتر حسینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسامی ابلخ خواهد شد.» طبق حکمی که از سوی جواد شمقدری منتشر شده، این وظایف مطرح شده است: «با استعانت از خادوند متعال به منظور نظام‌مند کردن صنوف سینمایی و کمک در امر قانونی شدن آنها، رسیدگی به امور جاری صنوف سینمایی و در راستای ارتقای منزلت صنوف سینمایی و صیانت از امنیت اشلی و ساماندهی و بهبود وضعیت رفاهی و معیشتی اعضای صنوف مختلف سینمایی و استناد به قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و عطف به پشتوانه تجارب ارزشمند سینمایی و صنفی، از جناب‌عالی دعوت می‌شود به عنوان عضو هیات ساماندهی صنوف سینمایی در چارچوب اختیارات و مسوولیت‌های داده‌شده انجام وظیفه نمایند. بدیهی است معاونت امور سینمایی برای پیشبرد مقاصد واهداف آن هیات، حمایت‌های مقتضی را معمول خواهد داشت»

اعضای هیات مدام خبر از همدلی و اتفاقات خوب می‌دهند

اولین کسی که از این هیات بین رسانه‌ها ظاهر شد و سخن گفت، حسین زندباف، تهیه‌کننده فیلم «تلفن همراه رییس‌جمهور» است که در جشنواره امسال هم از او تقدیر می‌شود. وی درخصوص روشن شدن وضعیت معیشتی صنوف با وزیر ارشاد به «ایسنا» توضیح داد: این جلسه بسیار امیدوار کننده بود. حرف‌هایی که آقای وزیر در مورد آینده سینما و برنامه‌هایش زد، حرف‌های خوب و قابل قبولی بود و امیدواریم به معنای واقعی محقق شود. تنها آرزوی ما سینماگران در حال حاضر باید به سرانجام رسیدن مسیر پیش روی سینمای ایران باشد و همه برای اتفاق‌های خوب باید تلاش کنیم». البته وی مطرح نکرد که این تلاش برای اتفاق‌های خوب را چرا در زیر سقف خانه سینما ادامه ندادند.

وی درخصوص تصمیماتی که در حال حاضر در دستور کار این گروه قرار گرفته افزود: «مساله قابل بحث در حال حاضر این است که خانه سینما دارای تعداد زیادی کارمند بوده که مدتی است حقوقی دریافت نکرده‌اند و باید جایی باشد که به حق و حقوق این افراد رسیدگی کند»

وی در ادامه درباره خانه سینما گفت: «امیدوارم این وضعیت به زودی برطرف شود و با همکاری خانواده سینما و اعضای خانه سینما به شکلی از اساسنامه و مقررات برسیم که دیگر شاهد این قبیل مشکلات در سینمای ایران نباشیم. آینده اعضای سینما از همه چیز مهم‌تر است و باید طوری عمل کرد که خانواده سینما نسبت به آینده خود امیدوار باشند».جمال شورشه دیگر عضو این هیات تاکید کرده است: «در مکنای جدید مستقر شده و فعالیت‌ها و جلسات خود را در این مکان آغاز خواهند کرد. اولین اولویت ما تقسیم بلیت‌ها هست».وی درباره فعالیتهای اتی این کمیته گفت: «در ادامه فعالیت‌های را مدنظر داریم که باید پیگیری آنها هر چه زودتر آغاز شود. البته جشنواره فیلم فجر همه ارکان سینما را تحت‌الشعاع خود قرار خواهد داد و شاید در این ایام کار خیلی تاثیرگذاری انجام نشود، اما در هر صورت اعضای این کمیته جلسات و برنامه‌ریزی‌های خود را در این مدت خواهند داشت.»